

قفقاز، انجمن‌های خیریه ایرانیان مهاجر در سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۰۰

منطقه قفقاز، روزگاری بخشی از امپراتوری ایران محسوب می‌گردید، اما حکام روسیه تزاری، با تحمیل قراردادهای گلستان و ترکمانچای بر ایران، در زمان حاکمیت فتح‌علی‌شاه، آن را به روسیه منضم نمودند. نزدیکی فرهنگی ایرانیان با اهالی قفقاز و پیشرفت‌های اقتصادی، صنعتی و تجاری این منطقه، قفقاز را به یکی از کانون‌های عمده مهاجرت ایرانیان در خارج از مرزهای سیاسی ایران در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم تبدیل کرد.

حضور گسترده و روزافزون مهاجران ایرانی و اقامت طولانی آنان در قفقاز موجب شد تا برخی از ترقی‌خواهان ایرانی از اقشار مختلف، به‌ویژه تنی چند از کنسول‌های دولت ایران، به تشکیل انجمن‌های خیریه و تأسیس مدارس در آن منطقه اقدام نمایند. اهمیت این امر باعث شد که صاحب این قلم، به‌طور مختصر، به بررسی انجمن‌های خیریه ایرانی در قفقاز، چگونگی تأسیس، اهداف، برنامه‌ها و موانع و مشکلات پیش روی آنها و نیز عملکرد دولت ایران و روسیه در برابر آنها بپردازد.***

*** کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید بهشتی

*** درباره کارهای فرهنگی ایرانیان مهاجر در قفقاز در سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۰۰ و به‌ویژه انجمن‌های خیریه ایرانیان در آن دیار، صاحب این قلم، کتابی نگاشته است که به زودی از سوی مرکز انتشارات وزارت امور خارجه منتشر می‌گردد. علاقمندان می‌توانند به کتابی که با نام ایرانیان مهاجر در قفقاز: اقدامات فرهنگی آنان در سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۰۰ منتشر می‌گردد، مراجعه نمایند.

انجمن خیریه ایرانیان در بادکوبه

بادکوبه یکی از شهرهای مهم منطقه قفقاز به شمار می‌رود. این شهر در اواسط سده نوزدهم و به‌ویژه در اواخر این سده، به سبب کشف منابع عظیم نفت و گسترش رو به رشد صنعت نفت، اهمیت فراوان یافت. به همین دلیل عده زیادی از ایرانیان از اقشار مختلف، به‌ویژه اقشار ضعیف و فقیر، برای کار به این شهر و محله‌های اطراف آن رفتند. گروهی از ایرانیان مقیم این شهر، به کارهای تجاری پرداخته و جمعی نیز کاسب و بازاری بودند.

پس از اقدامات «مشیرالملک»، سفیر ایران در پترزبورگ، در جلب رضایت مقام‌های روسیه در تأسیس انجمن و مدارس توسط ایرانی‌ها در خاک آن کشور، «میرزا ابوالحسن‌خان معاضدالسلطنه»، کنسول وقت ایران در بادکوبه، به اتفاق جمعی از تجار و بازرگانان ایرانی مقیم آن شهر، انجمن خیریه‌ای به سال ۱۳۲۴ ق. بنا نهادند. مهم‌ترین مسئله‌ای که طرح آن در نخستین اجلاس انجمن در اولویت قرار داشت، تأسیس مدرسه‌ای برای تحصیل فرزندان اتباع ایرانی مقیم بادکوبه بود. پس توافق کردند: هرگاه درآمد انجمن افزایش یافت، به افراد بینوا و بی‌بضاعت، بچه‌های یتیم، بیوه‌زنان و ... کمک کنند و نیز در صورت امکان، بیمارستانی برای مداوای بیماران ایرانی بسازند.^(۱)

از ابتدای تشکیل انجمن، از جمله نیازهای اساسی و بنیادین آن، همانا دسترسی به منابع مالی مطمئن، ثابت و دائمی بود. برای برآوردن این نیاز، جمعی از تجار ایرانی مقیم بادکوبه - که بیشتر آنان از اعضای انجمن خیریه بودند - در عریضه‌ای به مشیرالملک، سفیر ایران در پترزبورگ، از وی خواستند که از بابت صدور تذکره عبور برای اتباع ایرانی، مبلغی به عنوان اعانه برای تأمین مخارج مدرسه، در اختیار انجمن گذاشته شود. آنان از مشیرالملک خواستند که تقاضایشان را به اطلاع «مظفردالدین شاه» برساند تا مجوزی برای فعالیت انجمن، صادر و به بادکوبه ارسال شود. آنان معتقد بودند که این اقدام شاه ایران سبب می‌شود که دریافت مبالغ درخواستی از بابت صدور تذکره، جنبه قانونی و حقوقی پیدا کند.^(۲) اما به نظر می‌رسد که به این درخواست‌ها پاسخی داده نشد.

پس از انتصاب «میرزا علی‌محمدخان» به عنوان کنسول ایران در بادکوبه، وی درصدد برآمد که به اتفاق اعضای انجمن خیریه، راهکاری اساسی برای تأمین منابع مالی دائمی برای

اداره انجمن خیریه و «مدرسه اتحاد ایرانیان» بیابد. سرانجام در توافقی، تجار ایرانی مقیم بادکوبه پذیرفتند که از محل واردات و صادرات مال‌التجاره خویش، مبلغی به عنوان اعانه به صندوق انجمن بپردازند،^(۳) بدین ترتیب، مشکل مالی انجمن تا حدودی حل شد.

گویا از هنگام تشکیل انجمن خیریه تا زمان آغاز ریاست «محمد ساعدالوزاره» در کنسولگری بادکوبه به سال ۱۳۲۵ق. اختلاف عمده‌ای میان اعضای انجمن و کنسولگری رخ نداد، اما با آغاز مأموریت نامبرده در بادکوبه، بین او و تجاری که از اعضای اصلی انجمن خیریه به شمار می‌رفتند، پیرامون روش نظارت بر مدرسه و دریافتی‌های انجمن و چگونگی مصرف آن، اختلاف بروز کرد. ساعدالوزاره، اعضای اصلی انجمن را به احجاف و تصرف در اموال مدرسه و انجمن متهم کرد و به اینکه مدرسه از ابتدای تأسیس تا آن زمان، دارای برنامه‌ای منظم نبوده، اعتراض نمود. او درصدد تدوین نظامنامه‌ای برای مدرسه اتحاد، مطابق با اسلوب مدارس جدید، برآمد.^(۴) ساعدالوزاره از اعضای انجمن خواست به جای اینکه درآمدهای انجمن به نام دو نفر از اعضای آن و به حساب آنها در بانک گذاشته شود، عایدات را به نام مدرسه، به بانک بسپارند. همچنین وی معتقد بود به جای آنکه مهر انجمن در حجره تجار نگهداری شود و یک نفر به نام تمامی اعضاء، عریضه‌ها را مهر نماید، مهر باید در عمارت انجمن نگهداری شود.^(۵) اعضای اصلی انجمن از اینکه ساعدالوزاره درصدد دخالت مستقیم در امور مدرسه و انجمن برآمده است و به گمان آنکه وی قصد تصرف اموال انجمن و کوتاه کردن دست اعضای انجمن را در امور مدرسه دارد، به تبلیغات گسترده‌ای علیه او دست زدند. فشار زیاد اعضای انجمن بر ساعدالوزاره و اعتراض‌های وسیع آنان باعث شد که وی از ریاست انجمن استعفا داده، هیچ‌گونه دخالتی در امور مدرسه اتحاد ننماید.^(۶)

هنگامی که «داودخان»، کنسول وقت ایران، دست تعدی به اموال مدرسه دراز کرد، این اقدام وی، اعتراض اعضای انجمن را برانگیخت.^(۷) پس از عزل داودخان و در زمان تصدی منصب کنسول ایران در بادکوبه توسط «میرزا جوادخان» به سال ۱۳۳۵ق. وی به اتفاق معاونش «محمدخان فهیمی»، دست تعدی به اموال مدرسه گشود. اعضای اصلی انجمن به عنوان هیأت شوراییه مدرسه، نسبت به دست‌درازی میرزا جوادخان، به ژنرال کنسول ایران در تفلیس شکایت کرده، خواستار اعزام هیأتی برای رسیدگی به درخواست‌های خود شدند. ژنرال کنسول نیز دو نفر

بازرس به بادکوبه فرستاد. بررسی‌های این دو بازرس نشان داد که شکایت‌های اعضای انجمن به حق بوده و میرزا جوادخان و معاون وی، قسمتی از اموال مدرسه را به یغما برده‌اند.^(۸)

پس از پیروزی بلشویک‌ها در روسیه، فعالیت مؤسسات فرهنگی خارجی‌ها در آن کشور با محدودیت‌های بسیاری روبرو شد. چنانکه انجمن خیریه ایرانیان در بادکوبه نیز به سال ۱۳۰۴ ش. منحل گشت. مدتی بعد «اسفندیاری»، پس از انتصاب به ریاست کنسولگری ایران در بادکوبه، به اتفاق جمعی از ایرانیان، درصدد تأسیس مجدد انجمن خیریه برآمد، اما از دیدگاه دولت شوروی، تشکیل انجمن خیریه به عنوان مؤسسه‌ای مستقل از کنسولگری، اشکال قانونی داشت، به همین خاطر، وی درصدد تشکیل انجمن خیریه‌ای با نام «شعبه خیریه ژنرال کنسولگری دولت علیه ایران در بادکوبه» برآمد. از این رو، عده‌ای از اعضای سابق انجمن خیریه، نظامنامه‌ای نگاشتند، اما از تأسیس این انجمن، اطلاعی در دست نیست.

انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس

شهر تفلیس از اواسط سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، پذیرای جمع زیادی از ایرانیان مهاجر بود. پس از کوشش‌های مشیرالملک، سفیر ایران در پترزبورگ، و کسب مجوز تأسیس انجمن‌ها و مدارس ایرانی در خاک روسیه، «مفخم‌السلطان»، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، کوشش زیادی کرد که ایرانیان آن سامان را برای تشکیل انجمن خیریه هماهنگ نماید. سرانجام در نتیجه کوشش مداوم مشیرالملک و مفخم‌السلطان، نظامنامه انجمن خیریه ایران در تفلیس در ۷ شوال ۱۳۲۳ به تأیید مقام‌های وزارت داخله روسیه رسید.^(۹)

در اوایل ذی‌قعدة ۱۳۲۴ در جلسه‌ای از پیش تعیین شده، دوازده نفر از اتباع ایرانی با حضور مفخم‌السلطان، به عنوان اعضای اصلی انجمن برگزیده شدند و کنسول وقت ایران در تفلیس نیز به ریاست آن انتخاب شد. در این جلسه، توافق گردید که اعضای اصلی، هفته‌ای یک‌بار در روز جمعه، جلسه‌ای با ریاست مفخم‌السلطان تشکیل داده، به امور انجمن رسیدگی نمایند.^(۱۰)

در نظامنامه انجمن، هدف از تشکیل آن، «مساعدت مالی و اخلاقی به فقرا و درماندگان از اتباع ایرانی در تفلیس، بدون توجه به سن، جنس، صنف و مقام یا مذهب آنها؛ تأسیس

مدرسه‌ای جهت تحصیل اطفال ایرانی؛ کفن و دفن اموات فقیر و تهیدست ایرانی؛ نگهداری از یتیمان، بیوه‌زنان و درماندگان ایرانی» ذکر شده است. همچنین قرار شد چنانکه توان مالی انجمن افزایش یافت، بیمارستان، دارالاطعام عمومی، چاپخانه انجمنی، منازل ارزان قیمت برای افراد بی‌بضاعت ایرانی، دارالمساکین و... ساخته شود،^(۱۱) اما با نگاهی گذرا به اهداف نامبرده، می‌توان دریافت که هر انجمن خیریه‌ای با اعضای محدود و توان مالی اندک و بدون پشتیبانی دولت و حکومت مرکزی، از انجام این‌گونه اهداف ناتوان است.

عضویت در انجمن تفلیس، محدودیت نداشت و هر شخص از هر جنس، مقام و منصب و مذهبی می‌توانست به عضویت آن درآید. اعضای انجمن به سه دسته تقسیم می‌شدند: اعضای افتخاری، اعضای حقیقی و اعضای مجاهد. اعضا، تا زمانی از حق عضویت در انجمن برخوردار بودند که وجه عضویت خویش را طبق نظامنامه به صندوق پرداخته و یا به وظیفه و خدمات تعیین شده از سوی انجمن، عمل می‌کردند.^(۱۲)

براساس نظامنامه انجمن، اجرای امور انجمن بر عهده اداره انجمن، شعبه‌های اداره انجمن و مجلس عمومی انجمن بود. اداره انجمن، از شش الی دوازده نفر تشکیل می‌شد که توسط مجلس عمومی و از میان اعضای انجمن، برای مدت سه سال انتخاب می‌شدند. این اعضا متصدی امور بوده و در کارهای انجمن رأی قاطع داشتند و بایستی از سوی حاکم محلی نیز تصدیق می‌شدند.^(۱۳)

انجمن، یک کمیسیون تفتیش، متشکل از سه نفر داشت که سالی یک‌بار توسط مجلس عمومی انتخاب می‌شدند. این کمیسیون مکلف بود که هر ماه، وجوه و اموال و دفاتر انجمن را بررسی نماید و نیز به محاسبات سالیانه انجمن و مخارجی که پیش‌بینی شده بود، رسیدگی کند.^(۱۴)

به علت نبود مدارک، از وضعیت انجمن بین سال افتتاح آن تا سال ۱۳۲۸ ق. اطلاعی در دست نیست. در اوایل ربیع‌الاول ۱۳۲۸، اجلاس عمومی انجمن برگزار گردید و اعضای اداره انجمن انتخاب شدند که این افراد عبارت بودند از: «سردار همایون»، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، با سمت رئیس انجمن، «حاجی محمدحسین مولی‌زاده» به عنوان معاون، «محمدحسین علی‌اکبرزاده»، «میرزا عباسعلی حاجی‌رضازاده»، «محمدجعفر حسن‌زاده»، «میرحسین حاجی‌میر

عبدالصمدزاده»، «میرزا علی محمد علیزاده».

اعضای افتخاری انجمن در سال ۱۳۲۸ق. نزدیک شش نفر بودند که مبلغ ۱۱۹۵ منات و ۴۵ کپک به صندوق انجمن پرداخت کردند. اعضای حقیقی نیز بیش از هشتاد و دو نفر بودند. (۱۵) یکی از هدف‌های اصلی انجمن، تأسیس «مدرسه اتفاق» و از وظایف عمده آن، تأمین مخارج مدرسه مزبور و رسیدگی به امور آن بود، اما شواهد و مدارک گویای آن است که اوضاع مدرسه از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۵ رو به آشفتگی گذاشت. این امر نشانگر پیریشانی اوضاع انجمن خیریه، به عنوان متصدی امور مدرسه است. «شعاع‌الدوله»، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، در گزارشی به وزارت امور خارجه نوشت که از ابتدای ورودش به تفلیس، شاهد «از هم‌پاشیدگی» امور مدرسه و قطع «منبع عایدات» آن بوده است. وی بیان کرد که به انتخاب دوباره اعضای اداره انجمن، اقدام نموده است. (۱۶)

آشفتگی منطقه قفقاز در پی اغتشاش‌ها، انقلاب‌ها و به‌ویژه انقلاب کبیر ۱۹۱۷، ضربه‌های هولناکی بر توان مالی اتباع ایرانی در قفقاز وارد نمود. در آن شرایط، املاک و اموال بسیاری از تجار، بازرگانان و کسبه متمدول ایرانی مصادره شد که این امر موجب شد بسیاری از آنان قفقاز را به مقصد ایران، ترک نمایند. این امر بر کاهش میزان درآمدهای انجمن خیریه، تأثیر چشمگیری داشت، زیرا بسیاری از اعضای آن، از جمله اقشار نامبرده بودند و بیشتر مخارج مدرسه و انجمن توسط آنان تأمین می‌شد.

در اواسط سال ۱۳۰۱ش. انتخابات اعضای انجمن خیریه به منظور انتخاب اعضای اداره انجمن برگزار شد. در این انتخابات، افرادی که نام آنان بدین شرح است، انتخاب گردیدند: «حاج محمد آقا علی اف»، «آقا اسماعیل آقا یوسف»، «مشهدی ابراهیم آقا علی اف»، «آقا مهدی باقر نقاش»، «آقایوسف علی اسماعیل زاده»، «آقابزرگ رضایوسف»، «آقاحسین صادق اف»، «آقامیرزا عباسعلی زاده» و رئیس انجمن «علی اکبر رسول اف». این افراد به مدت سه سال به عنوان اعضای اداره انجمن انتخاب شدند. (۱۷)

عده‌ای از تجار مسلمان تبعه گرجستان نیز در سال ۱۳۰۲ش. جزء اعضای انجمن بودند و مبالغی نیز برای تحصیل دانش‌آموزان مدرسه اتفاق به صندوق انجمن پرداخت می‌کردند. (۱۸) مشکلات مالی انجمن در سال ۱۳۰۲ش. همچنان اعضای انجمن و کنسولگری ایران در تفلیس

را نگران می‌کرد. در این سال، «احتشام همایون»، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، از مسافران ایرانی تفلیس - که قصد مسافرت به اسلامبول را داشتند - مبلغی که ماهیانه به بیست تا چهل لیره می‌رسید، دریافت می‌کرد. این مبلغ برای تأمین مخارج مدرسه اتفاق و مصارف دیگر، به انجمن تحویل داده می‌شد، اما وزارت امور خارجه ایران در تلگرافی به تفلیس، به کنسولگری دستور داد که از گرفتن چنین وجوهاتی از مسافران ایرانی خودداری نمایند.^(۱۹) این امر به تضعیف بیشتر بنیه مالی مدرسه اتفاق و انجمن خیریه منجر گردید.

گزارش‌های مکرر ژنرال کنسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، گویای این واقعیت است که درآمدهای انجمن خیریه، هر سال نسبت به سال پیش، کمتر می‌شد. اعضای انجمن خیریه نیز از کارگزاران دولت ایران خواستند مبالغی معین برای مصارف مدرسه اختصاص دهند و نیز تعدادی معلم برای تدریس در مدرسه اتفاق، از ایران به تفلیس روانه نمایند،^(۲۰) زیرا بار اصلی مخارج آن مدرسه و حقوق معلمان محلی بر دوش اعضای انجمن خیریه بود و چنانکه دولت ایران با خواسته‌های آنها موافقت می‌نمود، انجمن با دریافت کمک‌های مردمی، می‌توانست به فقرا و نیازمندان ایرانی، کمک بیشتری بنماید.

بیشتر کوشش انجمن، پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، برای تأمین مخارج مدرسه و جلوگیری از تعطیل شدن آن صرف گردید. در این زمان، اوضاع مالی اتباع متمدول ایرانی رو به بدی نهاد و تأمین هزینه انجمن و مدرسه اتفاق با مشکلات عمده‌ای روبرو گردید؛ چنانکه اعضای اداره انجمن و ژنرال کنسول وقت ایران در تفلیس، به منظور جلوگیری از تعطیل شدن مدرسه و برای پرداخت حقوق معوقه معلمان در دی ۱۳۰۴، مبلغ سیصد منات قرض نمودند و ژنرال کنسول ایران در تفلیس نیز در گزارشی به تهران تذکر داد که کاهش عایدات انجمن، قدرت حفظ مدرسه را از اعضای انجمن سلب کرده است.^(۲۱) بررسی اسناد و مدارک برجای مانده، نشانگر آن است که اولیای دولت ایران و به‌ویژه کارگزاران وزارت معارف، به عنوان متولیان مدارس ایرانیان در داخل و خارج از کشور و نیز کارگزاران وزارت امور خارجه، برای رفع مشکلات انجمن، کاری نکردند.

درآمدهای انجمن از ۱۷ شوال ۱۳۴۲ تا ۲۵ محرم ۱۳۴۴، مبلغی به میزان ۸۱۱۳ منات و ۳۲ کپک (۳۴۸۸۶ قران) و میزان مخارج انجمن در دوره مذکور مبلغ ۷۵۹۴ منات و ۴۰ کپک

۳۲۶۴۵۱ قران) بود که از این مقدار، مبلغی نزدیک به ۵۳۶۷ منات و ۱۹ کپک آن صرف پرداخت حقوق معلمان، مستخدمات و مصارف مدرسه اتفاق گردید. مبلغ ۱۸۵ منات و ۷۰ کپک نیز به کفن و دفن اموات ایرانی اختصاص یافت. حدود ۳۴۰ منات و ۵۵ کپک هم مقرری به بیوه‌زنان ایرانی مقیم تفلیس پرداخت شد. مخارج تعمیر کاروانسرا، قنات، مصلی و قبرستان ایرانیان نیز به مبلغ ۶۵۵ منات و ۶۵ کپک رسید.^(۲۲) این آمار حاکی از آن است که بیشتر دریافتی‌های انجمن، صرف مخارج مدرسه اتفاق می‌گردید.

وزارت معارف در اواخر شهریور ۱۳۰۷ «میرزا احمد سعیدی»، مفتش عالی آن وزارتخانه را برای رسیدگی به امور مدارس ایرانی در خاک شوروی، به منطقه قفقاز فرستاد. سعیدی پس از بازدید از مدرسه اتفاق، گزارش مفصلی درباره آن مدرسه به وزارت معارف ارائه داد. وی در این گزارش تأکید نمود که انجمن نباید حق دخالت مستقیم را در امور مدرسه داشته باشد؛ زیرا آن زمان، مدرسه اتفاق از مؤسسات رسمی دولتی ایران به شمار می‌رفت و امور آن زیر نظر ژنرال کنسول ایران در تفلیس و مراقبت و مسئولیت مدیری که از سوی وزارت معارف انتخاب می‌شد، بود. براساس برنامه جدید، «هیأت عامله مدرسه» عبارت بودند از: ژنرال کنسول وقت ایران در تفلیس، انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و مدیر مدرسه اتفاق که از تهران اعزام می‌شد. در این خط‌مشی، انجمن، نقش هیأت مشورتی مدرسه را ایفا می‌نمود. در جلسه‌های ماهیانه مدرسه، اعضای انجمن می‌توانستند شرکت کنند، اما نظرهای آنان تنها جنبه مشورتی داشت.^(۲۳) از این زمان تا زمان انحلال مدارس ایرانی در خاک شوروی، امور مدرسه اتفاق، بیشتر زیر نظر ژنرال کنسول وقت ایران در تفلیس و مدیران مدرسه قرار داشت و مکاتباتی که در این باره با تهران صورت می‌گرفت، توسط آنها انجام می‌شد.

کاهش نقش انجمن خیریه در امور مدرسه اتفاق، به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤسسات فرهنگی ایرانیان در تفلیس، پس از ورود سعیدی به منطقه قفقاز، به معنای پایان کار انجمن در سایر امور مربوط به ایرانیان مقیم تفلیس نبود؛ هنگامی که وزارت امور خارجه در صدد تغییر منصب «میرزا علی‌خان»، ژنرال کنسول وقت ایران در تفلیس، برآمد، اعضای انجمن با ارسال عریضه‌ای اعتراض‌آمیز به مجلس شورای ملی و کپی آن برای روزنامه‌های ایران، شفق سرخ و طوفان، با دفاع قاطع از وی، خواستار ابقای او در سمت خویش شدند.^(۲۴)

انجمن خیریه اسلامی - ایرانیه در باطوم

انجمن خیریه اسلامی - ایرانیه توسط «میرزا احمدخان»، ویس کنسول ایران در باطوم، و چند نفر از تجار ایرانی مقیم باطوم در رمضان ۱۳۱۸ تشکیل و نظامنامه آن در ۲۹ فصل تنظیم گردید و یک نسخه از آن برای اطلاع مظفرالدین شاه، به تهران ارسال شد.

اعضای انجمن به سه دسته تقسیم می‌شدند: ۱. اعضای تشریفی ۲. اعضای حقیقی ۳. اعضای تعاونی. رسیدگی به امور انجمن به عهده اداره انجمن بود. اداره انجمن، یک نفر به عنوان رئیس، دو نفر معاون، یک نفر تحویلدار، یک نفر دفتردار و دوازده نفر از اعضای حقیقی و تعاونی را در بر می‌گرفت که به مدت یک سال انتخاب می‌شدند.

مخارج انجمن نیز از محل کمک‌های مردمی ایرانیان مقیم باطوم به صورت نقدی، جنسی، پوشاک و ... و همچنین مبالغی که اعضای انجمن موظف به پرداخت آن بودند، تأمین می‌گردید. (۲۵) میرزا احمدخان در تلگرافی به تهران در ابتدای رمضان ۱۳۱۸، میزان دریافتی نخستین روزهای تأسیس انجمن را در حدود ششصد منات عنوان کرد. وی بیان داشت که آن مبلغ صرف ساختن «غسالخانه» ای جدید در قبرستان ایرانیان مقیم باطوم شده است. او میزان مخارج انجمن برای معالجه بیماران و کفن و دفن اموات و کمک به ضعیفان و فقرا را نزدیک به پانصد الی ششصد منات تخمین زد. مبلغ مذکور از راه عایدات دائمی صندوق انجمن (پرداخت‌های اعضای حقیقی و تعاونی انجمن) تأمین می‌شد. (۲۶)

پس از اتمام مأموریت میرزا احمدخان در مقام کنسول ایران در باطوم و انتصاب «میرزا آقاخان معتمدالسلطان» به جای وی، انجمن خیریه تعطیل گردید. (۲۷) به نظر می‌رسد انجمن تا ایام ریاست کنسولگری «میرزا علی محمدخان» به سال ۱۳۲۴ ق. در باطوم، تعطیل بوده است. میرزا علی محمدخان، پس از در اختیار گرفتن منصب رئیس کنسولی ایران در باطوم، در صدد ساختن مسجدی برای ایرانیان آن سامان برآمد. به همین منظور، زمینی از حکومت محلی به صورت مجانی گرفت و برای تأمین هزینه ساختن آن، در هفتم ربیع‌الاول ۱۳۲۴، مجلسی مرکب از تجار، ریش‌سفیدان و اصناف ایرانی مقیم آن سامان، در عمارت کنسولگری تشکیل داد. در این جلسه، انجمن خیریه ایرانیه - اسلامی دوباره تأسیس گردید و میرزا علی محمدخان به ریاست آن انتخاب شد. «میرزا محمدحسین واعظ تبریزی» و «شیخ

عبدالعلی»، تاجر یزدی، معاونان انجمن؛ «شیخ احمد» و «علی اکبر عمده‌التجار»؛ تاجران یزدی، به عنوان ناظران انجمن؛ «حاج زین‌العابدین»، و «حسین آقا»، تاجر تبریزی، به سمت مفتش؛ «عمده‌التجار میرزاعلی آقا»، تاجر خویی، به سمت تحویلدار و نیز «بانک شاهی» روس به عنوان تحویلدار، انتخاب شدند. (۲۸)

درباره وضعیت و عملکرد انجمن خیریه ایرانیه - اسلامیة در سال‌های پس از ۱۳۲۴ ق. تا زمان بروز اغتشاش‌ها و انقلاب‌های منطقه قفقاز و روسیه، اطلاعی در دست نیست. در زمان شورش‌ها و انقلاب‌های مزبور، تعداد زیادی از ایرانیان دچار فقر و تنگدستی شده، به ایران مهاجرت کردند. در این دوران، تعدادی از اتباع ایرانی در باطوم، توانایی تأمین هزینه زندگی خود را نداشتند و انجمن مذکور مخارج آنان را تا حدودی برعهده گرفت. (۲۹)

باید اشاره کرد که مخارج انجمن مزبور از راه دریافت کمک‌های ایرانیان مقیم باطوم، به‌ویژه بازرگان و تاجر تأمین می‌گشت و در زمان اغتشاش و انقلاب قفقاز، بنیه اقتصادی اقشار نامبرده کاهش زیادی داشت که در نتیجه، تعدادی از آنان و نیز کسبه و اصناف ایرانی به ایران بازگشتند. به همین خاطر، انجمن خیریه از نظر مالی دچار مشکلات فراوانی شد و از تأمین هزینه بسیاری از خانوارهای ناتوان ایرانی در مدت زمانی طولانی، ناتوان بود. (۳۰)

در سال ۱۳۰۳ ش. توان مالی انجمن بیش از پیش کم شد که این امر اثری مستقیم بر کاهش بنیه مالی «مدرسه نجات» گذاشت. کنسول باطوم، علت تضعیف توان مالی مدرسه را کمک نکردن اتباع ایرانی به مدرسه نجات دانست. وی معتقد بود که اعضای انجمن خیریه، به صورت «قانونی و با آراء عمومی» اتباع ایرانی، انتخاب نشده‌اند، به همین خاطر اتباع ایرانی به انجمن، به عنوان متولی امور مالی مدرسه، کمکی نمی‌نمایند. از این رو، کنسول وقت ایران در باطوم، هیأتی متشکل از دوازده نفر که به اتفاق آراء عمومی اتباع ایرانی انتخاب شده بودند، به عنوان انجمن خیریه ایرانیه - اسلامیة تعیین کرد و امور مدرسه و جمع‌آوری اعانه‌ها را زیر مراقبت و نظارت خویش، به آنها سپرد، اما هیأت مزبور نیز به دلیل مشکلات مالی، فقر و استیصال ایرانیان مقیم باطوم، نتوانست به حد کافی کمک مالی از اتباع ایرانی آن سامان جمع کرده، صرف امور مدرسه نماید. به همین دلیل، اعضای انجمن در اوایل فروردین ۱۳۰۴ استعفا دادند و انجمن به طور کامل منحل شد. (۳۱)

انجمن خیریه همت ایرانیان در ولادی قفقاز

درباره تأسیس «انجمن خیریه همت» و نظامنامه آن، اسناد و مدارکی در دست نیست، اما تاریخی که بر روی مهر عریضه انجمن نامبرده به سردار همایون، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، در رجب ۱۳۲۸ حک شده است، سال تأسیس انجمن را ۱۳۲۷ ق. مشخص می‌نماید. در پایان عریضه، نام و امضای تعدادی از اعضای انجمن آمده است که بدین شرح است: «محمدصادق علیزاده تبریزی»، «حاج یوسف غفاروف»، «حاج محمدحسین احمدوف»، «اسماعیل عبدی اوغلی»، «علی اکبرزاده»، «محمدکاظم اوف»، «حاج عبدالخالق حسین اف اصفهانی»، «علی اکبر نقی اف»، «حاج عباسقلی یعقوبف»، «مشهدی مهدی‌زاده»^(۳۲) با توجه به اینکه زمان زیادی از تأسیس انجمن نمی‌گذشت، به نظر می‌رسد افراد نامبرده از مؤسسان آن انجمن باشند. درباره اوضاع اقتصادی ایرانیان مقیم ولادی قفقاز و اقدامات فرهنگی آنان، اسناد و مدارکی در دست نیست. گویا در جریان انقلاب‌های قفقاز و روسیه، اوضاع مالی اتباع ایرانی در ولادی قفقاز همچون سایر بلاد قفقاز، رو به بدی نهاده و این امر باعث شده که انجمن خیریه همت نیز تعطیل گردد.

در اواسط آبان ۱۳۰۶، نایب کنسول ایران در ولادی قفقاز، در نامه‌ای به وزارت امور خارجه، از مقام‌های آن وزارتخانه خواست که اجازه تأسیس دوباره انجمن خیریه ایرانیان آن منطقه، داده شود. وی به مقام‌های آن وزارتخانه خاطر نشان ساخت که انجمن می‌تواند در جهت رسیدگی به امور ایرانیان مقیم ولادی قفقاز، کارهای شایسته و مفیدی انجام دهد که این امر کمک فراوانی به نایب کنسولگری ایران است.^(۳۳) وزارت خارجه نیز از این پیشنهاد نایب کنسول استقبال کرد و خواستار برپایی دوباره انجمن گردید.^(۳۴) اما اسناد و اطلاعاتی در این باره در دست نیست.

انجمن خیریه ایرانیان در گنجه

کوشش برای تأسیس انجمن خیریه ایرانیان در گنجه، توسط «میرزا اسحاق خان»، نایب کنسول ایران در گنجه، شروع شد. وی برای رسیدن به این منظور، ماه‌ها کوشش کرد، اما موانع زیادی بر سر راه انجام این مسئله قرار داشت که از آن جمله می‌توان به وجود اختلاف‌های بسیار

در میان ایرانیان مقیم آن سامان اشاره کرد. میرزا اسحاق خان در تلگرافی به وزارت امور خارجه با برشمردن بخشی از این اختلافها، عنوان نمود که برخی از این «نفاقی هست که از قدیم مابین ایرانیان تولید شده و اهل هر قریه، دسته‌ای [ترتیب داده و ریش سفیدی انتخاب کرده‌اند]، وی یادآور شد که «این اختلافها به درجه‌ای هست که در موقع عزاداری، به عده قراء و دهاتی که ایرانیان گنجه در آنجاها هجرت و مسافرت کرده‌اند، ترتیب تکبیه و مجالس تعزیه‌داری می‌دهند» (۳۵).

میرزا اسحاق خان با وجود چنین کشمکش‌هایی در میان ایرانیان مهاجر در گنجه، به تشکیل انجمن خیریه موفق شد، اما همان مشکل‌ها و موانع که به بخش اندکی از آنها اشاره گردید، مانع بقا و تداوم کار انجمن شد؛ و سرانجام پس از مدتی کوتاه، آن را به تعطیلی کشاند. یکی از موانع بزرگ در برابر تشکیل یک انجمن یا هر مؤسسه فرهنگی - تمدنی دیگر در گنجه، پراکندگی ایرانیان آن دیار در روستاها و مزارع و اشتغال آنان به امر کشاورزی بود. این مسئله عامل مهمی بود که فعالان سیاسی و فرهنگی ایران مقیم قفقاز و یا روشنفکران قفقازی و یا حتی نایب کنسول‌های ایرانی در گنجه، نتوانند گامی مهم در تأسیس مؤسسه‌ای بردارند که در توسعه بینش فرهنگی و سیاسی ایرانیان آن خطه، نقش ارزنده‌ای داشته باشد.

انجمن خیریه ایرانیان در ایروان

انجمن خیریه ایرانیان در ایروان به سال ۱۳۲۵ ق. تأسیس گردید؛ اما نبود مدارکی درباره آن، باعث شد که از اهداف، برنامه‌ها، مؤسسان و اعضای آن و ... اطلاعی به دست نیاید. از انجمن خیریه ایرانیان در ایروان، دو عریضه به مجلس شورای ملی (۳۶) و وزارت امور خارجه درباره حمایت از ظهیرهمایون، نایب کنسول ایران در ایروان، در دست است. این انجمن در ۵ جمادی الثانی ۱۳۲۷ در عریضه‌ای به وزارت امور خارجه، با حمایت از ظهیرهمایون، به نظارت انجمن مزبور بر کارها و عملکرد کارگزاران دولت ایران در ایروان اشاره نموده است (۳۷).

نتیجه

حضور و فعالیت گسترده ترک‌های عثمانی در منطقه قفقاز در راستای توسعه فرهنگ و

زبان خویش و رویارویی آراء و عقاید آنها با اهداف و دیدگاه‌های ایرانیان از یک سو و فعالیت چشمگیر اتباع، دولتمردان و تجار ایرانی در برون و درون مرزهای ایران، در عصر حاکمیت مظفرالدین‌شاه قاجار از سوی دیگر، باعث شد که تعدادی از کنسول‌ها و مأموران دانش‌دوست وزارت امور خارجه ایران در خاک روسیه و منطقه قفقاز، به همراهی جمعی از ترقی‌خواهان ایرانی از اقلات مختلف و به‌ویژه تجار و بازرگانان، به تشکیل انجمن‌های خیریه اقدام کنند. بدون شک، فعالیت‌های گسترده مسلمانان قفقاز در راه تشکیل انجمن و نیز فعالیت ناسیونالیست‌های قفقازی، بر کوشش‌های ایرانیان تأثیر فراوان داشت.

انجمن‌های خیریه ایرانی، غیر از رسیدگی به مشکلات ایرانیان، کمک به نیازمندان، بچه‌های یتیم و رسیدگی به امور و تأمین بخشی از مخارج مدارس ایرانیان در قفقاز، بر کارها و عملکرد کنسول‌ها و مأموران ایرانی در آن منطقه نیز نظارت غیررسمی داشتند. آنان تا حد امکان از حقوق کارگران و اتباع ایرانی در برابر کارفرمایان و اتباع روسی، دفاع می‌کردند.

سقوط حکومت روسیه تزاری و پیروزی بلشویک‌ها در قفقاز باعث شد که فعالیت انجمن‌های ایرانی با مشکل روبرو گردد، زیرا آنان به انجمن‌ها و مدارس ایرانی به دیده مبلغان رسوم استبدادی و انتشاردهنده شیوه‌های کهن حکومتی و نیز مدافعان شریعت می‌نگریستند. از طرفی، دولت شوروی نیز برخلاف حکومت تزارها، با تصویب و اجرای قوانینی همسو با منافع و حقوق اقشار تهیدست، تا حدودی مانع از پایمال شدن حقوق اقشار کم‌درآمد ایرانی گردید. از هنگام تشکیل دولت بلشویکی، در صورتی که حقوق ایرانیان مهاجر پایمال می‌گشت، به جای مراجعه به کنسول‌ها و انجمن‌های خیریه ایرانی، به دستگاه قضایی و انتظامی شوروی مراجعه می‌کردند. در نتیجه، با شرایط جدید، از وظایف انجمن‌ها کاسته شد و آنها به مرور، اهمیت پیشین خود را از دست دادند.

پی نوشت‌ها

۱. «فوسولگری ایران در بادکوبه»، اسناد وزارت امور خارجه ایران. نمره ۵۷. ۲ دیحجه ۱۳۲۳. سال ۱۳۲۳ ق. کارتن ۷. پرونده ۷.
۲. «عریضه جمعی از ایرانیان بادکوبه به مشیرالملک»، پیشین، بدون نمره، ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۴. سال ۱۳۲۴ ق. کارتن ۷. پرونده ۱.
۳. «اعلان از طرف انجمن خیریه ایرانیان در بادکوبه»، پیشین، بدون نمره، ۲۴ شوان ۱۳۲۴، سال ۱۳۲۴ ق. کارتن ۷. پرونده ۱.
۴. «سواد عرضحال ساعدالوزاره به مجلس شورای ملی»، پیشین، نمره ۵۹۵، ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۲۸. سال ۱۳۲۸ ق. کارتن ۱۲. پرونده ۱۲.
۵. «رابطه و قایع بادکوبه و منشأ منازعه فوسول و انجمن خیریه ایرانیان»، پیشین، بدون نمره، بدون تاریخ، سال ۱۳۲۵ ق. کارتن ۷. پرونده ۵.
۶. روزنامه ایران نو. سال دوم، شماره ۶۷، سه شنبه ۸ محرم الحرام ۱۳۲۹. ص ۴.
۷. «هیأت شوراییه مدرسه اتحاد ایرانیان بادکوبه به وثوق الدوله»، اسناد وزارت امور خارجه ایران. بدون نمره، ۱۰ رجب ۱۳۲۵. سال ۱۳۳۵ ق. کارتن ۱۳. پرونده ۵.
۸. «سواد صورت دو مجلس»، پیشین، نمره ۵۴۱، ۱۹ رجب ۱۳۲۵، سال ۱۳۲۵ ق. کارتن ۷. پرونده ۱۳.
۹. «نایب رئیس انجمن خیریه ایرانیان به وزارت امور خارجه»، پیشین، بدون نمره، ۱۲ بهمن ۱۳۰۴، سال ۱۳۰۴ ش. کارتن ۱۹۳. پرونده ۱۸.
۱۰. «نظامنامه انجمن خیریه ایرانیان در تغلبس»، پیشین، سال ۱۳۲۳ ق. کارتن ۷. پرونده ۱.
۱۱. روزنامه حبل المتین. سال ۱۴، شماره ۲۰، ۸ ذیقعه ۱۳۲۴. ص ۲۲-۳.
۱۲. «نظامنامه انجمن خیریه ایرانیان در تغلبس»، پیشین؛ حبل المتین، پیشین، ص ۲۳ و سال ۱۳، شماره ۲، ۴ رجب ۱۳۲۴، ص ۱۳-۴.
۱۳. «نظامنامه انجمن خیریه ایرانیان در تغلبس»، پیشین؛ حبل المتین، سال ۱۳، شماره ۲، ۱۴ رجب ۱۳۲۳، ص ۴.
۱۴. پیشین؛ سال ۱۳، شماره ۳، دوشنبه ۱۱ رجب ۱۳۲۳، ص ۱۷ و سال ۱۳، شماره ۲، دوشنبه ۲ شعبان ۱۳۲۳، ص ۱۹-۲۰.

۱۵. «حساب مداخل - مخارج انجمن خیریه ایرانیان در تفلیس و مدرسه اتفاق»، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۸، کارتن ۱۲، پرونده ۳؛ روزنامه مظهر، شماره ۱۳، ۲۷ ذیحده ۱۳۲۸، ص ۱.
۱۶. ژنرال فونسلگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه، پیشین، نمره ۲۴۴، ۴ شعبان ۱۳۳۵، سال ۱۳۳۵، کارتن ۱۳، پرونده ۱۵.
۱۷. «اسامی هیأت»، پیشین، بدون نمره، ۲۴ شوال ۱۳۲۴، سال ۱۳۲۴، کارتن ۷، پرونده ۱.
۱۸. «مابندگی سیاسی ایران در کل قفقاز به وزارت امور خارجه»، پیشین، نمره ۱۶۸۱، ۲۴ عقرب ۱۳۰۲، سال ۱۳۰۲، کارتن ۳۳، پرونده ۳۵.
۱۹. «ژنرال فونسلگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه»، پیشین، نمره ۱۲۵۰۱، ۱۸ حوت ۱۳۰۲، سال ۱۳۰۳، کارتن ۳۳، پرونده ۵۹.
۲۰. «ژنرال فونسلگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه»، پیشین، نمره ۲۰۷۱، ۱۱ مهرماه ۱۳۰۴، سال ۱۳۰۴، کارتن ۳۵، پرونده ۴۸؛ «تلگراف جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به وزارت امور خارجه»، پیشین، نمره ۱۴، ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۴۳، سال ۱۳۰۳، کارتن ۳۳، پرونده ۵۹؛ «سواد تلگراف جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس»، پیشین، نمره ۱۱، مورخه ۱۴ محرم ۱۳۰۳، کارتن ۳۳، پرونده ۵۹.
۲۱. «ژنرال فونسلگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه»، پیشین، نمره ۲۸۰۳، ۵ دی ۱۳۰۴، کارتن ۳۵، پرونده ۴۸.
۲۲. «صورت عایدات انجمن خیریه ایرانیان»، پیشین، بدون نمره، سال ۱۳۰۴، کارتن ۳۵، پرونده ۷۵.
۲۳. «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به ژنرال فونسلگری ایران در تفلیس»، سازمان اسناد ملی ایران، بدون نمره، ۱۳۰۷/۸/۱۰، سند شماره ۲۴۰، ۱۵۲۴۰، ۲۹۷۰.
۲۴. «نامه جمعیت خیریه ایرانیان در تفلیس به مجلس شورای ملی»، اسناد مجلس شورای اسلامی، نمره ۲۸۷، ۳ بهمن ۱۳۰۷، شماره بازیابی ۷/۱۴۹/۳۲/۱/۲۶.
۲۵. «نظامنامه انجمن خیریه ایرانیه - اسلامیه باطوم»، اسناد وزارت امور خارجه ایران، بدون نمره، بدون تاریخ، سار ۱۳۱۸، کارتن ۶، پرونده ۱۵.
۲۶. «فونسلگری ایران در باطوم»، پیشین، نمره ۱۴۸، ۴ رمضان ۱۳۱۸، سال ۱۳۱۸، کارتن ۶، پرونده ۱۵.
۲۷. «جنرال فونسلگری ایران در تفلیس»، پیشین، نمره ۲۱۳، ۱۷ محرم ۱۳۱۹، سال ۱۳۱۹، کارتن ۷، پرونده ۱۱.
۲۸. «فونسلگری ایران در باطوم»، پیشین، نمره ۱۱۵، مورخه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۴، سال ۱۳۲۴، کارتن ۷.

پرونده ۶؛ روزنامه تربیت، سال نهم، شماره ۴۱۰، رجب ۱۳۲۴. ص ۲۱۹۸-۹.

۲۹. نک: «ژنرال فونسلگری ایران در قفقاز به وزارت امور خارجه»، پیشین، نمره ۱۷۸۲، ۲۰ عقرب ۱۳۰۱؛ سال ۱۳۰۱ش، کارتن ۱۵، پرونده ۱۸.

۳۰. پیشین.

۳۱. «فونسلگری ایران در باطوم به وزارت امور خارجه»، پیشین، نمره ۳۴۳، ۲۸ مرداد ۱۳۰۴، سال ۱۳۰۴ش، کارتن ۳۵، پرونده ۶.

۳۲. «از ولادی قفقاز به تفلیس»، پیشین، بدون نمره، ۱۲ رجب ۱۳۲۸، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۲، پرونده ۷.

۳۳. «ویس فونسلگری ایران در ولادی قفقاز به وزارت امور خارجه»، پیشین، نمره ۱۳۵، تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۰۶، سال ۱۳۰۶ش، کارتن ۸، پرونده ۱۷۴.

۳۴. «وزارت امور خارجه به ویس فونسلگری ولادی قفقاز»، پیشین، نمره ۱۶۲۰۷/۳۳۴۴، تاریخ ۱۴/۸/۱۳۰۶، سال ۱۳۰۶ش، کارتن ۱۸، پرونده ۱۷۴.

۳۵. «ویس فونسلگری ایران در گنجه به وزارت امور خارجه»، پیشین، نمره ۱۴۶، ۶ ربیع الثانی ۱۳۲۸. سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۱۲، پرونده ۵.

۳۶. «عریضة انجمن خیریه ایرانیان در ایروان به مقام منبع مجلس شورای ملی»، اسناد مجلس شورای اسلامی، بدون نمره، جمادی الاول ۱۳۲۹، ۳/۱/۲۹/۱۶۰/۲.

۳۷. «انجمن خیریه ایرانیان در ایروان به وزارت امور خارجه»، اسناد وزارت امور خارجه ایران، بدون نمره، ۵ جمادی الثانی ۱۳۲۷، سال ۱۳۲۷ق، کارتن ۱۲، پرونده ۵.